

# شبهه

شبهه شناسی | گفتمان سازی و پاسخ گویی

۲۰

ماهنامه ویژه پویش مطالعاتی دانشجویان و طلاب جوان  
مرکز مطالعات و پاسخ گویی به شبهات (حوزه های علمیه)  
شماره بیست / بهمن ماه ۱۴۰۲

□ اگر انقلاب نمی شد... □ این مرد، جهان را تغییر داد □ رد پای برهنگی □ خدازاده □ نیروی جوان، زمینه ساز تحول در جامعه □ فساد سیستمی یا سیستماتیک؟ □ عمق راهبردی نظام چیست؟ □ ناخوانده دانا

شبهه روز



## اگر انقلاب نمی شد...

ریچارد کاتم از انقلاب اسلامی، بر این پایه استوار است.

۳. با توجه به وابستگی کامل رژیم پهلوی به آمریکا و تبدیل نمودن کشور به حافظ منافع و جزیره ثبات آنان،

وابستگی به نفت، بی توجهی به کشاورزی، وابستگی در بخش صنعت، استفاده از کارشناسان و مستشاران خارجی و میدان ندادن به متخصصان داخلی، تخریب روحیه خودباوری، افزایش بی رویه واردات و کاهش

چشم گیر صادرات، ترویج مصرف گرایی، وضعیت بد بهداشت و درمان، بی اعتنائی به علم و مراکز علمی و تحقیقاتی و...، روند کلی کشور، به سمت وابستگی بیشتر بود؛ تاجایی که بر طبق برآورد آمریکایی ها از اوضاع اقتصادی ایران با ادامه حکومت پهلوی، ایران جزء بدعبارترین کشورهای جهان می شد.

چنین حکومتی با چنین رویه ای، نه تنها فاقد مؤلفه های پیشرفت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بود، بلکه تداوم آن، به عقب ماندگی بیشتر کشور می انجامید. از حکومتی که عزت مردم را با دادن کاپیتولاسیون، پایمال کرده بود و با جدایی بحرین، از تمامیت ارضی کشور چشم پوشی کرده، استقلال کشور را به پای منافع اجانب ریخته بود، چگونه می توان انتظار پیشرفت داشت؟ تداوم چنین حکومتی، تنها در راستای منافع نظام سلطه بود که انقلاب اسلامی به آن پایان بخشید.

□ علی مجتبی زاده

پی نوشت:

۱. جان فوران، مقاومت شکننده، تاریخ تحولات اجتماعی ایران، ص ۴۹۲.

۲. رک: <https://www.aparat.com/v/PXEtz>

۳. به عنوان نمونه رک: ثریا اسفندیاری، کاخ تنهایی، ص ۱۳۳.

این جمله را از گوشه و کنار و در فضای

مجازی، زیاد شنیده اید که «اگر شاه بود، وضعیت اقتصادی مردم، بهتر از حالا بود» یا «اگر انقلاب نمی شد، ایران در ردیف کشورهای

پیشرفته قرار داشت» و... صرف نظر از آنکه این سخنان، از سر ناآگاهی و تحت تاثیر تبلیغات القایی و شایعه سازی ها گفته شده یا آگاهانه و هدفمند برای تظهير چهره رژیم پهلوی و تخریب وجهه نظام اسلامی، در ارزیابی این انگاره، توجه به چند نکته، راهگشا خواهد بود.

۱. نگاهی به وضعیت اقتصادی کشور در سال های پایانی دوره پهلوی، نادرستی چنین ادعاهایی را اثبات می کند و اینکه کشور، نه تنها در مسیر پیشرفت قرار نداشت، بلکه با شاخص های آن، فاصله زیادی داشت. به عنوان نمونه، جان فوران، استاد دانشگاه کالیفرنیا آمریکا، از وضعیت تغذیه و بهداشت در جامعه ایران در زمان پهلوی دوم، این گونه می نویسد: «در سال ۱۳۵۱-۱۳۵۲ ش ۶۴ درصد شهرنشینان، دچار سوء تغذیه بودند و این در مقایسه با ۴۲ درصد در روستاها، رقم بسیار بالایی است. آمار و ارقام بهداشتی، نشان می دهد که بر تعداد تخت های بیمارستان، کلینیک ها، پزشک و پرستار، افزوده شده؛ اما در سال ۱۳۵۶، ایران هنوز در خاورمیانه، بدترین نسبت پزشک به بیمار، بالاترین نرخ مرگ و میر نوزادان و پایین ترین نسبت تخت بیمارستان به جمعیت رادار بوده است»<sup>۱</sup>.

با وجود اعتراف خود شاه<sup>۲</sup> و نزدیکان وی<sup>۳</sup> و سران رژیم به وضعیت اسفبار کشور، جایی برای تظهير رژیم پهلوی و چنین ادعاهای واهی، باقی نمی ماند.

۲. یکی از نظریه های مطرح در مورد علل وقوع انقلاب اسلامی، وضعیت اقتصادی و فشار ناشی از آن بر مردم، به ویژه در سال های پایانی رژیم پهلوی است. تحلیل افرادی مانند نیکی کدی، مایکل فیشر، فرد هالیدی و



# این مرد، جهان را تغییر داد

## انقلاب اسلامی و امام خمینی در نگاه دیگران

درباره انقلاب اسلامی ایران و رهبر بزرگ آن، حضرت امام خمینی، نظرات و سخنان زیادی از طرف دوستان و دشمنان آن گفته شده که مطالعه و بررسی همه آنها، زمان و مجال زیادی را می طلبد. در این مجال اندک، به برخی از این نظرات، اشاره خواهیم نمود.

### آلوین تافلر، جامعه شناس و آینده پژوه آمریکایی

خطر جدی، این است که جوانان، حتی در آمریکا، به سوی مذهب، گرایش پیدا

می کنند... اکنون اگر پیام های

[امام] خمینی را مطالعه کنید، خواهید دید که او قبل از هرکس دیگر، گرایش های فراملی جوانان را درک کرده و پیام های او، نه مختص به یک ملت، که درباره جهان است. پیام های [امام] خمینی را دوباره مطالعه کنید. [امام] خمینی، مرد قرن بیست و یکم است؛ اگرچه در قرن بیستم از دنیا رفت.<sup>۱</sup>

### فرد هالیدی، استاد روابط بین الملل دانشگاه لندن

انقلاب اسلامی، عظیم ترین انقلاب تاریخ است و همه می دانیم این کار عظیم، در پرتو عظمت شخصیت امام خمینی پا گرفت و دست های پر قدرت و فرمانده او بود که این امواج عظیم انسانی را به شور و هیجان و خروش، وامی داشت.<sup>۲</sup>

### ماسیمو فینی، روزنامه نگار ایتالیایی

حقیقت انقلاب اسلامی و تفکر امام خمینی، بسیار عمیق است و جهان غرب، از درک عمیق آن عاجز مانده است.<sup>۳</sup>

### لنسر، پروفیسور اتریشی

انقلاب امام خمینی، حتی سیر تطوری انسان را تغییر داد.<sup>۴</sup>

### دکتر سعید الشهابی، سردبیر مجله معروف العالم

هیچ حرکتی به اندازه انقلاب ایران، نتوانسته بر جامعه بشری، تأثیرگذار باشد. دین، نقش اساسی و حیاتی در اجتماع دارد و انقلاب اسلامی، این نور را بر بشریت تاباند و روشنی بخشید.<sup>۵</sup>

### پروفیسور کارستن کوپله، خاورشناس و ایران شناس

انقلاب اسلامی و رهبر آن خمینی که بسیاری از مسلمانان مقیم خارج را در مسیر بازیابی هویت اسلامی خویش قرار داده، بدون تردید، آغازگر جنبش تجدید حیات اسلام است که اثرگذاری فراملیتی داشته است.<sup>۶</sup>

### دکتر تقی منگش، رئیس بخش تاریخ دانشگاه پیشاور

انقلاب اسلامی ایران که به رهبری خردمندان امام خمینی به پیروزی رسید، معادلات جهان کنونی را دگرگون کرد.<sup>۷</sup>

### دکتر فتحی شقاقی، رهبر سابق سازمان جهاد اسلامی فلسطین

این انقلاب به ما فهماند که پیروزی ما در گرو پیروی از راه امام خمینی است.<sup>۸</sup> همان گونه که امام راحل به زندگی ایرانی ها معنا بخشید، به زندگی ما در فلسطین نیز چنین مفهومی بخشید.<sup>۹</sup>

### ریچارد هاس، رئیس شورای روابط خارجی آمریکا

انقلاب اسلامی ایران، با سقوط یکی از حامیان سیاست های آمریکا در منطقه، نقش آمریکا در خاورمیانه را به قهقرا برده و بدین رو، خاورمیانه جدیدی با محوریت ایران در حال شکل گیری است.<sup>۱۰</sup>

### ژلمای خلیل زاد، استاد روابط بین الملل دانشگاه کلمبیا و نماینده آمریکا در سازمان ملل متحد

انقلاب اسلامی، نه تنها سیاستمداران جهان را غافلگیر کرد، بلکه دانشکاهیان و محققان مسائل

سیاسی غرب را نیز گمراه نمود و فرضیه هایشان را بی اعتبار ساخت.<sup>۱۱</sup>

### محمد حسنین هیکل، متفکر مصری

خمینی، هدیه آسمانی و ملکوتی برای خاکیان بود. گویی شخصیتی بزرگ از صدر اسلام با معجزه ای به دنیا بازگشته تا پس از پیروزی امویان و به خون غلتیدن شهیدان اهل بیت، سپاه علی را رهبری کند. او همچون گلگوله ای بود که از صدر اسلام شلیک شده، بر قلب قرن بیستم نشست.

### شیخ محمد طنطاوی، مفتی اعظم الازهر مصر

او از جمله افرادی بود که خداوند سبحان، علمی نافع و عقلی جلوتر از زمان به وی اعطا کرده بود.

### بینظیر بوتو، نخست وزیر پاکستان

رهبرانی مانند آیت الله خمینی، یک بار در قرن ها زاده می شوند.

### میشل فوکو، فیلسوف فرانسوی

شخصیت امام خمینی، پهلو به افسانه می زند؛ زیرا هیچ رئیس دولتی و هیچ رهبر سیاسی، حتی با حمایت تمام رسانه های دنیا، نمی تواند ادعا کند که با مردمش چنین پیوند عاطفی عمیقی دارد.

### پاپ ژان پل دوم، رهبر فقید کاتولیک های جهان

بر مالازم است که در کنار ادای احترام در برابر تمامی دستاوردهای امام خمینی که با رهبری سیاسی و دینی خود، برای ملت و امت خویش به ارمغان آورد، تأمل عمیق، تشکر و تقدیر کنیم.

### فیدل کاسترو، رهبر فقید کوبا

اینجانب مفتخر به برخورداری از امتیاز آشنایی نزدیک با یکی از بزرگ ترین شخصیت های تاریخ شدم؛ یک آشنایی بسیار نزدیک با خلوت آخرین سال ها، روزها و دقائق زندگی در کنار نزدیک ترین افراد خانواده و دوستانش. تنها می توانم از عمیق ترین گوشه قلبم بگویم و تکرار کنم که ایشان یک نمونه بود؛ یک نمونه واقعی.

### پی نوشت:

۱. هفته نامه صبح صادق، ۸۰/۱۲/۲۰
۲. روزنامه اطلاعات، ۶۸/۴/۱۳
۳. همان، ۶۸/۴/۱۰
۴. کیهان هوایی، ۷۳/۸/۲۵
۵. کیهان، ۷۵/۱۱/۱۵
۶. میرا محمد رضا حاجتی، عصر امام خمینی، ص ۳۴۸
۷. احمد امیدوار و حسین یکتا، امام خمینی و انقلاب اسلامی؛ روایتی جهانی، ص ۲۰۹
۸. علی اکبر مرتضایی، امام خمینی در حدیث دیگران، ص ۳۱
۹. هفته نامه صبح صادق، ۸۴/۸/۲
۱۰. کیهان، ۸۵/۹/۲
۱۱. ماهنامه معرفت، ش ۹۸، ص ۸۵



## ردپای برهنگی

در شماره گذشته، گفتیم که یکی از بهترین راه‌ها برای پی بردن به اهمیت مسئله پوشش و نقش استعمار و بیگانگان در ترویج برهنگی، ملاحظه دیدگاه‌های برخی از سفرا، جاسوس‌ها و سیاستمداران غربی است و به بررسی برخی از این دیدگاه‌ها پرداختیم. در این شماره نیز برخی دیگر از این نظرات را بررسی خواهیم نمود.

### □ دیوید کیو، مأمور سازمان سیا:

مهم‌ترین حرکت در جهت براندازی جمهوری اسلامی، تغییر فرهنگ جامعه فعلی ایران است و ما مصمم به آن هستیم.

### □ یکی از نخست‌وزیران اسبق انگلستان:

مادامی که کعبه، قرآن و حجاب در جوامع اسلامی باشند، ما نمی‌توانیم سیادت و آقایی خود را داشته باشیم. باید قرآن را بسوزانیم؛ کعبه را از بین ببریم و عفت و حجاب را از بانوان مسلمان بگیریم.

شهید مطهری در این باره می‌گوید: مسیحیت چگونه بر اندلس غلبه کرد؟ نقشه کشید و دو مسئله را در آنجا رایج نمود؛ یکی مسئله بی‌حجابی و دیگری مسئله مشروب‌خواری... دستور دادند دختران بسیار زیبای مسیحی، به بهترین وجه، آرایش کنند و در خیابان‌ها گردش و رفت‌وآمد نمایند و در روابط با مردان، آزاد باشند.

### □ فرانتس فانون، جامعه‌شناس و فیلسوف فرانسوی (درباره سیاست فرانسه در الجزایر):

مسلماناً نیروی اشغال‌گر - که حد اعلا فعالیت روانی خود را در مسئله چادر زنان الجزایر متمرکز کرده است - باید آشکارا نتایجی هم به دست آورد. در گوشه و کنار، اتفاق می‌افتد که موفق می‌شوند یک زن را به اصطلاح، رهایی بخشد که آن زن، از جنبه

نمودی (سمبلیک) بی‌حجاب است. هر چادری که دور انداخته می‌شود، افق جدیدی را که تا آن هنگام بر استعمارگر ممنوع بود، در برابر او می‌گشاید و بدن الجزایری را که عریان شده است، تماماً به او نشان می‌دهد. پس از دیدن هر چهره بی‌حجاب، امیدهای حمله‌ور شدن اشغال‌گر، ده برابر می‌شود. استعمار، حداکثر کوشش خود را بر مسئله چادر، تمرکز

داده است. اولین اقدام ضدفرهنگی که فرانسه در الجزایر صورت داد، تلاش برای از بین بردن حجاب بود و در این کار، موفق شد و هرچه بدن زن الجزایری را بیشتر عریان کرد، چنگال استعمار، بیشتر به حلقوم الجزایر فرورفت.

### □ آنتونی آر بلاستر، نویسنده انگلیسی:

هرچند زنان و مردانی با تکیه بر اصالت عقل و فردگرایی لیبرالی، به ظاهر، مسیر خردمندانه‌ای را در آزادی زنان می‌پیمایند، اما کردهای آنان، بیان‌گر آن است که به چیزی جز حریم شکنی‌های اخلاقی نمی‌اندیشند.

### □ ویل دورانت، فیلسوف و نویسنده آمریکایی:

زن آزادشده غربی، امروزه خود را هم پای مردان و شاید بالاتر از آنها می‌داند؛ اما آنچه از دست داده، قدرت فکری مستقل، شخصیت کریم و جایگاه رفیع در خانواده است. او چنان در اسارت فکری و غفلت فرهنگی قرار گرفته که فرصت اندیشیدن هم ندارد.

### □ مونا شارون، نویسنده آمریکایی:

آزادی زنان، برای ما افزایش درآمد سیگار ویژه زنان، حق انتخاب برای تنها زیستن، تشکیل خانواده یک نفره، ایجاد مراکز بحران تجاوز، اعتبار فردی، عشق آزاد و زنان متخصص بیماری‌های زنان را به ارمغان آورد؛ اما در ازای آن، چیزی را به غارت برد که خوشبختی بسیاری از زنان، درگیر آن است

و آن، وجود همسر و خانواده است.

\*\*\*

هنگامی که زن و دختر جوان مسلمان، با این جملات و حرف‌ها، به وسیله کتاب‌ها، فیلم‌ها، جراید، افراد جاهل و معاند در جامعه، تحقیر و سرزنش شود و از طرفی وقتی آگاهی کامل از دین و فلسفه حجاب و چادر نداشته باشد و از معنویت و ارتباط قوی با خداوند، برخوردار نباشد، گمان می‌کند تنها راه فرار از این هجوم‌ها، سرزنش‌ها، زخم زبان‌ها، ابرو بالا انداختن‌ها، اشکال تراشی‌ها و بهانه‌ها، کنار گذاشتن چادر است؛ در حالی که از سر برداشتن چادر، بزرگ‌ترین شکست دختر مسلمان و پیروزی دشمنان در اهدافشان می‌باشد. بر همین اساس، جامعه‌شناسان غربی، تنها راه تسلط بر کشورهای اسلامی را سلطه فرهنگی، به ویژه تسلط بر زنان می‌دانند.

### □ حمید کریمی

معرفی کتاب

## خدازاده

خود خدا: خاطراتی پرجاذبه از رضا پهلوی در نگاه نویسندگان و اندیشمندان خارجی  
خدازاده: خاطراتی پرجاذبه از محمدرضا پهلوی در نگاه نویسندگان و اندیشمندان خارجی  
نویسندگان: سید محمدحسین راجی، محسن فوجی



می آمد. بوی تند و مشمئزکننده فساد آنها، در همه جا به مشام می رسید و این فساد، به خصوص در سال های رونق اقتصادی ایران، ابعاد وسیع تری یافت. درباره معاملات و سوء استفاده های



مردم داشت. خیلی از شرکت های خارجی نیز در رشوه دادن به بعضی از افراد، دست داشتند.»

«یرواند آبراهامیان»، مورخ ایرانی - آمریکایی خاورمیانه و استاد برجسته تاریخ کالج باروخ و مرکز تحصیلات تکمیلی دانشگاه نیویورک، در کتاب «ایران بین دو انقلاب» می نویسد:

«به گفته بانکداران غربی، بنیاد پهلوی - که سالانه بالغ بر ۴۰ میلیون دلار یارانه می گرفت - به

عنوان حفاظ مالیاتی برای برخی از دارایی های پهلوی، عمل می کرد و بدین وسیله، تقریباً به همه جای اقتصاد کشور، نفوذ داشت. بنیاد در سال ۱۹۷۷م (۱۳۵۶ ش.) سهام ۲۰۷ شرکت، شامل ۸ شرکت معدنی، ۱۰ کارخانه سیمان، ۱۷ بانک و شرکت بیمه، ۲۳ هتل، ۲۵ کارخانه فلزات، ۲۵ واحد کشت و صنعت و ۴۵ شرکت ساختمانی را در اختیار داشت. به نوشته نیویورک تایمز، تحت پوشش فعالیت های خیریه، از بنیاد به سه طریق، استفاده می شود؛ به عنوان منبع مالی برای خانواده سلطنتی، به عنوان وسیله نفوذ در بخش های مهم اقتصاد ملی و به عنوان ممیزی برای پاداش دادن به حامیان رژیم.»

او همچنین می نویسد:

«در ۲۷ شهریور ۱۳۵۷ش. [۱۰ روز پس از جمعه سیاه]، کارمندان بانک مرکزی، فهرست ۱۷۷ تن از افراد سرشناس را که گویا بالغ بر ۳ میلیارد دلار از کشور خارج کرده بودند، منتشر کردند. این فهرست، نشان می داد که شریف امامی، حدود ۳۱ میلیون دلار، ارتشبد او یسی ۱۵ میلیون دلار، نمازی ۹ میلیون دلار، آموزگار ۵ میلیون دلار، سپهبد مقدم ۲ میلیون دلار، شهردار تهران ۶ میلیون دلار، وزیر بهداشت ۷ میلیون دلار و مدیر عامل شرکت ملی نفت ایران، بالغ بر ۶۰ میلیون دلار از کشور خارج کرده اند.»

مالی آنها، ارقام نجومی به گوش می رسید.»  
«نیکی آرکدی»، پروفیسور بازنشسته تاریخ دانشگاه کالیفرنیا و لس آنجلس و «یان ریچارد»، از اساتید و محققان برجسته دانشگاه سوربون فرانسه، در کتاب «ایران مدرن، ریشه ها و نتایج انقلاب» می نویسند: «پدرش، اکثر آ از راه های مشکوک، حدود دو هزار پارچه آبادی را تصاحب کرده بود؛ لذا پس از تبعید رضا شاه، سر و صدای زیادی در مورد برگرداندن آن املاک به صاحبان قبلی آنها، وجود داشت. این کار، تقریباً غیرممکن به نظر می رسید. شاه در ابتدا، آن زمین ها را در اختیار مجلس گذاشت تا مجلس به میل خود، آنها را منتقل سازد؛ اما بعداً آنها را پس گرفت و برنامه ای در مورد فروش شخصی آنها به زارعینی که روی آن زمین ها کشت می کردند، به اجرا درآورد. اکثر مردم نمی دانستند پولی که از راه فروش این زمین ها به دست می آید، تحت کنترل و اختیار شاه، باقی خواهد ماند و حدود ثلث این زمین ها نیز در اختیار ثروتمندان نزدیک به دربار و همچنین اعضای خانواده سلطنتی، قرار می گرفت.»

آنها همچنین می نویسند:

«علاوه بر سرمایه عظیم رو به رشد شاه در دهه ۱۹۷۰م (۱۳۵۰ شمسی)، فساد مالی در دربار خاندان سلطنتی و نخبگان جامعه، به حدی زیاد بود که سهم عمده ای در افزایش مخالفت توده های عظیم

دو کتاب «خود خدا» و «خدا

زاده»، گزارش ها و روایت هایی از مورخان خارجی درباره وضعیت اقتصادی، سیاسی و فرهنگی ایران در زمانه زمامداری رضاشاه و محمدرضا شاه پهلوی است. نویسندگان این دو کتاب، با مراجعه به اسناد پژوهشگران حوزه ایران و شرق، توانسته اند به اطلاعات قابل توجهی برسند که نشان از وخامت وضعیت ایران در دوران پهلوی می دهند. گزارش هایی که حاوی آمارها و داده هایی هستند که نشان می دهند سیستم حکومتی ایران، سرشار از فساد، دزدی و خیانت بوده و از سوی دیگر، اوضاع معیشتی و رفاهی ایران، در بدترین شرایط ممکن، قرار داشته است. نکته قابل توجه درباره این دو کتاب، این است که دقیقاً همان برش های مورد استناد از منابع پژوهش شده، در این کتاب، ضمیمه شده اند و شما می توانید نوشتار اصلی محقق خارجی را نیز مشاهده کنید و از صحت تحقیقات، اطمینان خاطر پیدا کنید.

بخشی از کتاب «خدازاده» را با موضوع فساد اقتصادی، با هم می خوانیم.

### فساد اقتصادی در حکومت پهلوی

«آنتونی پارسونز»، سفیر بریتانیا در ایران، در کتاب «غرور و سقوط ایران» می نویسد: «از لحاظ سیاسی، خانواده شاه، گرفتاری بزرگی برای او به شمار

شاهدین

ماهانم ویژه پویش مطالعاتی دانش جوان و طلاب جوان شمالویست/ بهمن ۱۴۰۲



# نیاز به تحول در جامعه

می دانیم که در علم شیمی، تا کنون ۱۱۸ عنصر کشف شده که ۹۴ عنصر از این تعداد، در طبیعت وجود دارد و ۲۴ عنصر باقی مانده، به صورت مصنوعی تولید شده است. عنصرها اجزای سازنده مولکول های مواد هستند. مثلاً آب به عنوان ماده ای حیاتی، از دو عنصر اکسیژن و هیدروژن تشکیل شده و یانمک به عنوان ماده ای پرکاربرد، از دو عنصر سدیم و کلر، شکل گرفته است.

جامعه نیز بسان یک ماده، از اجزا و عناصری شکل گرفته که در کنار باورها، جغرافیا، حکومت و... یکی از اجزای آن، نیروی انسانی کارآمد است. اگر جامعه ای بخواهد باثبات، مترقی و امیدوار باشد، نیازمند نیروی انسانی توانمند است. نیروی جوان جامعه، عنصر اساسی جامعه برای شکل گیری و دستیابی به اهداف مورد انتظار آن جامعه است. نیروی جوان، چون سرشار از هیجان، انگیزه، خلاقیت و انرژی است، زمینه ساز تحول در جامعه است.

امام خمینی، با کشف و معرفی نقش این عنصر در جامعه اسلامی، خطاب به جوانان فرمود: «شما جوانان، تا کنون در این نهضت شرکت

داشتید؛ من به شما درود می فرستم؛ لکن نیمه راه است؛ راه باز باقی مانده است. شما

جوان ها، شما نیروهای جوان، باید این نیمه راه دیگر را هم با قدرت پیش ببرید. باید با وحدت کلمه، با اسلام و با ایمان، از این نهضت، تا اینجا که آمده اید، از اینجا به بعد هم جلو بروید. باید همه ریشه های استبداد و ریشه های استعمار را از این مملکت بکنید؛ باید این مملکت را پاک سازی کنید. این مملکت، عقب مانده است؛

این مملکت، اقتصادش ورشکسته است؛ این مملکت، الآن آشفته است [و] به نیروی شما جوان ها باید این مملکت، اصلاح بشود. ما همه مسئول هستیم؛ ما همه باید دنبال این کار را بگیریم تا به آخر برسانیم».

سال ها پس از این فرمایش و درخواست معمار انقلاب، رهبر معظم انقلاب، در دورانی که به قله نزدیک شده ایم، جوانان را «عنصر تحول آفرین»

معرفی کرده و تحول در جامعه را در گرو حضور و به کارگیری آنان می داند:

«اولاً تحول لازم است و نیاز امروز ماست؛ ثانیاً تحول ممکن است؛ ثالثاً راه ایجاد تحول، عبارت است از تشکیل یک دولت معتقد به تحول و معتقد به عنصر تحول آفرین؛ یعنی عنصر جوان نخبه مؤمن انقلابی؛ یعنی شرطش این است که مؤمن باشد و انقلابی باشد؛ و الا اگر جوان بود، با همان خصوصیات جرات و توانایی

و ابتکار، لکن ایمان در او وجود نداشت، خب فایده ای ندارد؛ آن جوان با همان نیرو، راه غلط را خیلی سریع تر و تندتر از پیرها و سال خورده ها خواهد رفت. اگر با ایمان نباشد، فایده ای ندارد؛ اگر انقلابی نباشد، کشور را به سمت یک حرکت تحولی درست، هدایت نخواهد کرد. پس بایستی، هم جوان باشد، هم مؤمن باشد، هم انقلابی باشد».

**شما جوان ها، شما نیروهای جوان، باید این نیمه راه دیگر را هم با قدرت پیش ببرید. باید با وحدت کلمه، با اسلام و با ایمان، از این نهضت، تا اینجا که آمده اید، از اینجا به بعد هم جلو بروید. باید همه ریشه های استبداد و ریشه های استعمار را از این مملکت بکنید؛ باید این مملکت را پاک سازی کنید**



# فساد سیستمی یا سیستماتیک؟

**پرسش:** آیا وجود پرونده‌های فساد اقتصادی همچون «چای دیش»، نشانه وجود فساد سیستمی در جمهوری اسلامی نیست؟

فساد اقتصادی، رفتار مجرمانه‌ای است که مرتکب آن، از جایگاه خود، سوءاستفاده کرده، از این مسیر، منفعت مالی برای خود یا دیگری به ناحق کسب می‌کند. فساد اقتصادی دولتی و خصوصی، مانند رانت، رشوه و اختلاس، از بیماری‌های خطرناکی هستند که در همه جوامع و از جمله جوامع اسلامی، رخ می‌دهند. از شاخص‌های برجسته حکمرانی مطلوب، مواجهه با این فساد اقتصادی است و تا هنگامی که برنامه‌ای درباره پیشگیری از فساد اقتصادی، جرم‌انگاری و راهکار مبارزه با آن ترسیم نشود، هرگونه اقدام اصلاحی، نتیجه نخواهد داد. «فساد سازمان یافته اقتصادی»، یکی از انواع فساد اقتصادی است که همزاد دولت‌ها در سراسر تاریخ بشر بوده است. «فساد سازمان یافته»، به دو بخش «فساد سیستمی» و «فساد سیستماتیک» تقسیم می‌شود که این دو، هر کدام مفهوم مجزایی دارند؛ اما به لحاظ قرابت واژگانی، گاهی به اشتباه به جای یکدیگر استفاده می‌شوند.

■ «فساد سیستمی»، اشاره به سیستم و نظام فسادپرور، فسادپذیر و فراگیری فساد در نظام اقتصادی دارد؛ به طوری که فساد، بخش جدایی‌ناپذیر از یک نظام اقتصادی باشد؛ به عبارت دیگر، «فساد سیستمی»، در اصطلاح، به نظام یا سازمانی اطلاق می‌شود که سراسر آن را فساد گرفته باشد؛ به نحوی که پیدا کردن فرد سالم در آن، استثنا باشد و اکثر مردم، هیچ جایگزینی برای مقابله با مقامات فاسد نداشته باشند. این نوع از فساد، ناشی از ساختار و قوانین فسادزاست.

■ «فساد سیستماتیک»، به مفهوم اقدام شبکه‌ای، برنامه‌ریزی شده و مافیایی، برای

تولید فساد اقتصادی است. اصطلاح «فساد سیستماتیک»، به معنای وجود مجموعه‌ای از اقدامات

هماهنگ، برنامه‌ریزی شده و نظام‌مند در برخی از مسئولان و افراد صاحب نفوذ در بخش‌های مختلف اداری و خصوصی کشور است که گاهی حتی در حوزه تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری نیز نفوذ کرده‌اند.

اصولاً فساد به معنایی که در پرونده‌های بزرگ اقتصادی مشاهده می‌شود، از توان یک یا چند نفر محدود در یک یا دو بخش خاص، خارج است و ضرورتاً شبکه‌ای است. فسادهای گسترده‌ای که

بازتاب می‌یابند، حاصل اقدام یک یا چند نفر محدود نیستند و احتمالاً شبکه‌هایی از اشخاص مؤثر در بخش‌های مختلف، در شکل‌گیری آنها دخیل بوده‌اند. از این رو،

این‌گونه «فساد سیستماتیک»، به معنی حاصل کار یک شبکه فساد تلقی می‌شود و لزوماً نمی‌توان به دلیل وقوع «فساد سیستماتیک»، از «فساد سیستمی» به معنای آلودگی فراگیر سیستم اداری کشور، سخن گفت؛ زیرا فساد سیستماتیک یا شبکه‌ای، هر چند برنامه‌ریزی شده و روشمند است، اما فراگیر نیست؛ بلکه پراکنده و موردی اتفاق می‌افتد. فساد پراکنده، نقطه مقابل فساد سیستمی است و از آنجا که به طور نامنظم رخ می‌دهد، ساختار کنترل و نظارت بر اقتصاد را تهدید نمی‌کند و فلج‌کننده اقتصاد نیست؛ اما می‌تواند روحیه افراد جامعه را به طور جدی تضعیف کند و

اقتصاد را تضعیف نماید.

فساد اقتصادی «چای دیش»، نمونه‌ای از فساد سیستماتیک

در کشور است که بخش خصوصی، به همراهی برخی از مسئولان دولتی، مرتکب فساد اقتصادی شدند؛ اما این فساد، به معنای «فساد سیستمی» در کشور نیست؛ زیرا این فساد، توسط سازمان بازرسی، کشف شد و در قوه قضائیه، در حال دادرسی است و این نشان‌دهنده آن است که قوانین کلی نظام اسلامی، فسادزا نبوده، فساد، در بین مسئولان، فراگیر نیست. کشف، شناسایی، برخورد و مجازات، در همین

سیستم رخ داده و اگر سیستم فاسد شده بود، اصلاً کسی از این فساد، خبردار نمی‌شد؛ چه برسد به اینکه موضوع برخورد نیز مطرح باشد.

اینکه فساد برخی از بستگان مسئولان کشور، همچون برادر رئیس‌جمهور، معاون و برادر معاون او، کشف و یا آنها برخورد شد، از دلایل آشکاری است که سیستمی نبودن فساد را در جمهوری اسلامی ایران، ثابت می‌کند. در مجموع، نمی‌توان وجود فساد را در کشور، انکار کرد؛ اما اصلی‌ترین مدعی مبارزه با فساد، خود نظام اسلامی است و از مبارزه با فساد، ابایی ندارد و آن را تحمل نمی‌کند؛ هرچند در این مسیر، هزینه‌های زیادی را متحمل شده و می‌شود.

□ علی دهقان



# عمق راهبردی نظام چیست؟

**پرسش:** چرا از صدور انقلاب و توسعه مقاومت، تعبیر به «عمق راهبردی» نظام می‌شود و این مسئله، چه پیامدهایی برای ایران دارد؟

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، افق‌های جدیدی را در عرصه حکومت‌داری و نظام‌سازی مبتنی بر کرامت انسان، عزت‌مندی و حیات طیبه اسلامی، فراروی بشریت قرار داد و با استقبال گسترده ملت‌های درمانده از سلطه استکبار جهانی و ناامید از مکاتب مادی، مواجه شد. ظرفیت‌های بالای این انقلاب در ارائه یک ایدئولوژی جامع، سعادت‌بخش و کارآمد در دنیای معاصر، نظام‌سازی بر اساس الگوی

نوین مردم‌سالاری دینی، مقابله با بحران‌ها، ارائه الگوی ایران قدرتمند و دستیابی به پیشرفت‌های متعدد و ارائه الگوی هویت اسلامی و مقاومت در مقابل نظام سلطه، زمینه‌های صدور انقلاب، نفوذ، جذب و الگوبرداری نخبگان و ملت‌های جهان را فراهم آورد. با صدور فرهنگی و اندیشه‌ای انقلاب اسلامی و حمایت صادقانه از مسلمانان مبارز، جریان‌های اسلامی و

جنبش‌های آزادی‌بخش متعددی در بین ملت‌های منطقه و جهان، شکل گرفت و تبدیل به عمق راهبردی انقلاب اسلامی شدند.

در ادبیات معاصر، عمق راهبردی، به معنای دایره و حوزه نفوذ یک نظام و ملت در عرصه‌های پیرامونی است که شامل هر ابزار و توانایی مادی (سخت‌افزاری) و غیرمادی (نرم‌افزاری) مثل ایده، تفکر، آرمان، اهداف و اعتقادات می‌شود و الزاماً نه نفوذ در سرزمین، بلکه در دل‌های مخاطبان است. با محوریت ملت‌ها در این تعریف، بیش از جنبه مادی، ابعاد معنوی و نرم‌افزاری، مد نظر می‌باشد. همان‌طور که در سطح داخلی، پشتوانه مردمی، به انقلاب، مصونیت می‌بخشد، در بُعد خارجی

نیز این عمق راهبردی و یا جلب توده‌های فرامرزی، مصونیت‌بخش است. بر همین اساس، آیت‌الله خامنه‌ای، ملت‌های مسلمان را عمق راهبردی نظام جمهوری اسلامی می‌داند و آن را تکیه‌گاهی برای ملت ایران بیان می‌کند!

اما چرا ملت‌های مسلمان، عمق راهبردی انقلاب اسلامی هستند؟ به دلیل ماهیت اسلامی انقلاب ایران، اولین دایره عمق راهبردی آن، جهان اسلام است. نقش جمهوری اسلامی ایران در تحقق بیداری اسلامی، بازیابی هویت ملت‌های مسلمان، مطرح شدن جهان اسلام به عنوان یک قطب تأثیرگذار در مسائل جهانی، دستاوردهایی است که در

چند دهه اخیر، با وجود تلاش‌های همه‌جانبه غرب علیه مسلمانان، معادلات بین‌المللی و منطقه‌ای را به نفع امت اسلامی، تغییر داده است. از این رو، صدور انقلاب اسلامی، توسعه مقاومت و عمق راهبردی ایران، متکی به ابزارهای سیاسی، نظامی و امنیتی، نبوده و نیست. بلکه «مسئله جمهوری اسلامی، مسئله بازتولید معارف والای اسلامی

است تا مسلمان‌ها احساس هویت کنند؛ احساس شخصیت اسلامی کنند و با تعالیم اسلام - که نجات‌بخش بشریت است - آشنا شوند»<sup>۲</sup>.

صدور ارزش‌های انقلاب اسلامی و گسترش عمق راهبردی ایران، در کنار احیای هویت اسلامی و بیداری جهان اسلام، انسجام مسلمانان و شکل‌گیری جنبش‌های آزادی‌بخش و تلاش برای کسب عزت و استقلال در برابر نظام سلطه جهانی، پیامدهای مهمی در راستای تأمین امنیت و منافع ملی ایران و خنثی‌سازی توطئه‌های دشمنان، داشته و دارد. عمق استراتژیکی که حزب‌الله لبنان، جهاد اسلامی و حماس فلسطین، انصارالله یمن، حشد الشعبی و سایر گروه‌های مقاومت در مواجهه

**صدور ارزش‌های انقلاب اسلامی و گسترش عمق استراتژیک ایران، در کنار احیای هویت اسلامی و بیداری جهان اسلام، انسجام مسلمانان و شکل‌گیری جنبش‌های آزادی‌بخش و تلاش برای کسب عزت و استقلال در برابر نظام سلطه جهانی، پیامدهای مهمی در راستای تأمین امنیت و منافع ملی ایران و خنثی‌سازی توطئه‌های دشمنان، داشته و دارد.**

با رژیم صهیونیستی و متحدان منطقه‌ای و جهانی آمریکا ایجاد کرده‌اند، نه تنها طرح‌های خاورمیانه بزرگ و تجزیه ایران و کشورهای منطقه، راهبردی هزار خنجر اسرائیل علیه ایران، اجرای کریدور ضدایرانی، پروژه عادی‌سازی روابط با اسرائیل و سایر توطئه‌های شوم را با شکست مواجه کرد، بلکه تهدیدات و ناامنی‌ها را به درون پایگاه منطقه‌ای نظام سلطه، یعنی اسرائیل کشانید و این غده سرطانی و کانون شرارت و فتنه‌انگیزی علیه ایران و جهان اسلام را با فروپاشی جدی مواجه نمود و بیداری گسترده جهانیان و جذب آنان به آموزه‌های متعالی اسلام، افشای جنایات صهیونیسم و ماهیت دروغین نظام سلطه و ناکارآمدی مکاتب الحادی مدرن در دفاع از حقوق بشر و آزادی ملت‌ها و تأمین صلح، امنیت و عدالت جهانی را به دنبال داشت.

## منابع جهت مطالعه بیشتر

۱. مؤلفه‌های الگوبخشی انقلاب اسلامی نسبت به کشورهای جهان، مبتنی بر دیدگاه رهبر معظم انقلاب، مصطفی آقاچانی، فصل‌نامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی، ش ۲۳.
۲. عمق استراتژیک جمهوری اسلامی ایران، محمدباقر خرمشاد، مصاحبه با سایت دفتر مقام معظم رهبری.
۳. عمق استراتژیک جمهوری اسلامی ایران با نگاه به چشم‌انداز ۲۰ ساله، غلامرضا محمدی، روزنامه کیهان.
۴. طوفان الاقصی و عمق استراتژیک ایران، روزنامه خراسان.
۵. مفهوم و گستره عمق راهبردی جمهوری اسلامی، سایت دیدبان.
۶. عمق استراتژیک ملت محور، رضا واعظی، روزنامه خراسان.

علیرضا محمدی

## پی‌نوشت:

۱. رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۷/۹/۲۴
۲. رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۹/۸/۳



## حضرت زینب، الگوی کامل برای همگان

یکی از الگوهای زنان مسلمان در ارزش‌هایی همچون عفت، حیا، صبر، آزادی و...، حضرت زینب علیها السلام است. امام سجاد علیه السلام درباره ایشان فرمود: «تو ناخوانده دانایی و نیاموخته خردمندی»<sup>۱</sup>.

در میان ویژگی‌های ممتاز حضرت زینب علیها السلام،

چند شاخصه برتر است که می‌تواند به عنوان الگو

برای همه و به ویژه بانوان مطرح باشد. از جمله صبر و تحمل

در مقابل سختی‌ها و مصائب، ایمان و عشق به نماز، فهم و درک

مسائل سیاسی و اجتماعی و پیروی از امام.

## صبر و تحمل

زینب علیها السلام، در میان شیعیان، به الگوی صبر و تحمل، مشهور است. این بانوی گرامی، در برابر سخت‌ترین مسائل طاقت فرسا، سر تسلیم و رضا در برابر خداوند، فرود آورد و بردباری را پیشه ساخت؛ به گونه‌ای که اعجاب همگان را برانگیخت. شهید مطهری در این باره نوشته است: «در حماسه حسینی، آن کسی که بیش از همه، درس تحمل و بردباری را آموخت و بیش از همه، این پرتو حسینی بر روح مقدس او تابید، خواهر بزرگوارش زینب علیها السلام بود».

## عشق به نماز

زینب علیها السلام حتی در اوج سوگ و اندوهش، راز و نیاز با خدای متعال را ترک نکرد و نماز شبش نیز فراموش نشد. گویا روح رنج دیده او، از ارتباط با خالق یکتا، تسکین می‌یافت. زینب کبری علیها السلام در قله بلند ایمان ایستاده بود. شاهد و دلیل این مدعا، صلابت و ایستادگی او در برابر مصیبت‌های بزرگ کربلاست که کوه‌های سخت و باصلابت را از پای درمی‌آورد. در کتاب «ریاحین الشریعه» چنین آمده است: «شب زنده‌داری زینب علیها السلام در تمام عمرش، ترک نشد؛ حتی شب یازدهم محرم».

## مقام تسلیم و رضا

شیخ عباس قمی، صاحب کتاب مفاتیح الجنان، این تعبیر را نسبت به زینب علیها السلام دارد: «ایشان عقیده بنی‌هاشم و صاحب مقام رضا و تسلیم است»<sup>۲</sup>. به این معنا که بعد از آن همه اتفاقات ناگوار و بی‌سابقه، وقتی وارد مجلس این زینب ملعون شد و باطعنه او که «دیدید چگونه خدا شما را خوار و ذلیل کرد»، روبه‌رو شد، این جمله عرفانی را فرمود: «مَا رَأَيْتُ إِلَّا جَمِيلًا؛ من چیزی جز زیبایی ندیدم»<sup>۳</sup>.

## علم و دانش

زینب علیها السلام دارای علم و دانش فراوان بود. او علم و دانش را از خاندان وحی، آموخته بود. وی احاطه علمی به قرآن داشت و برای بانوان، کلاس درس تفسیر برگزار می‌نمود. او همچنین در سنت و روایت، علم لغت و... تبحر داشت.

## فهم سیاسی و اجتماعی

پس از شهادت امام حسین علیه السلام، حضرت زینب علیها السلام که در کاروان اسیران بود، در مجلس این زیاد در کوفه و در دربار یزید در دمشق، خطابه‌های بلیغی ایراد کرد و به بیان ماهیت قیام امام حسین، افشای حکومت فاسد یزید و نیرنگ کوفیان پرداخت.

تفسیر و برداشت صحیح و درست از مسائل روز جامعه و تبلیغ و دعوت به حق، از دیگر ویژگی‌های حضرت زینب علیها السلام بود. هنگامی که این زیاد خطاب به او گفت: خدا را سپاس که شما را رسوا نمود، آن حضرت، مثل صاعقه بر او غرید و فرمود: «خداوند، فاسقان و فاجران را رسوا و مفتضح می‌کند که آنها مانع نیستیم». شیخ مفید، جواب آن حضرت به این زیاد را چنین نقل می‌کند: «سپاس خدای را که ما را به پیامبر گرامی اسلام، حضرت محمد صلی الله علیه و آله گرامی داشت و ما را از پلیدی، پاک گردانید. همانا خداوند، فاسقان را رسوا می‌کند».

## اطاعت و پیروی از امام و پیشوا

حضرت زینب علیها السلام با اینکه ازدواج کرده بود و دارای شوهر و فرزند بود، در قیام امام حسین علیه السلام در مقابل ظلم و ستم یزید، همگام با آن حضرت و در کنار وی بود. این میسر نمی‌شود، مگر آنکه انسان بداند که پیروی از امام و حمایت از وی، وظیفه و مسئولیتی است که باید به آن عمل نمود. البته این بدان معنا نیست که وی بدون اجازه شوهرش، اقدام به انجام این مسئولیت نمود؛ بلکه با اذن و رضایت شوهر، به وظیفه‌اش عمل کرد. این بیان‌گر آن است که حضرت در ادای وظیفه و مسئولیت، هیچ تردیدی به خود راه نداد و به دنبال عذر و بهانه نبود تا از زیر بار مسئولیت، شانه خالی کند؛ بلکه با اطمینان کامل، به برادرش ملحق شد؛ زیرا می‌دانست که قیام در برابر ظلم و ستم و امر به معروف و نهی از منکر، تکلیفی شرعی است که باید به آن عمل نمود.

**تفسیر و برداشت صحیح و درست از مسائل روز جامعه و تبلیغ و دعوت به حق، از دیگر ویژگی‌های حضرت زینب علیها السلام بود. هنگامی که این زیاد خطاب به او گفت: خدا را سپاس که شما را رسوا نمود، آن حضرت، مثل صاعقه بر او غرید و فرمود: «خداوند، فاسقان و فاجران را رسوا و مفتضح می‌کند که آنها مانع نیستیم»**

## پی‌نوشت:

۱. طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۰۵.
۲. شیخ عباس قمی، منتهی‌الأمال، ج ۲، ص ۹۳۸.
۳. محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۱۱۶.